

مایکل تیر

---

# شو پنہاور

---

ترجمہ

اکبر معصوم بیگی



در میان فیلسوفان سنت فلسفی غرب آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸-۱۸۶۰) از این لحاظ متمایز است که درباره‌ی زندگی دارای آرای به‌شدت بدبینانه است و در توصیف ساختار ذهنی انسان، به بهای عقل، بر اراده تأکید می‌ورزد. در واقع، دومین رأی از این دور رأی است که او را به رأی نخست رهنمون می‌شود، زیرا چنان که خواهیم دید، شوپنهاور اراده را ذاتا شتر می‌شمارد. و به سبب اعتقاد به این دور رأی است که، در تصویر جامع خود از زندگی، چنین جایگاه مهمی برای هنرها و به‌ویژه موسیقی قائل است. اگر کار شوپنهاور به معجون غریبی از عقاید می‌ماند، مقصود این کتاب کوچک این است که روشن سازد شوپنهاور چگونه می‌کوشد این آرا را به هم بیامیزد.

چنان که شوپنهاور در شاهکار خود جهان همچون اراده و باز نمود می‌گوید آغازگاه فلسفه‌ی او فلسفه‌ی انتقادی کانت است آن‌گونه که در سنجش خرد ناب طرح شده است. اگرچه شوپنهاور با مقدار زیادی از آن‌چه کانت نوشت - حتی در کتاب یادشده و مسلماً در کتاب‌هایی که کانت بعدتر نوشت - موافقت نداشت، از برخی از آرای اصلی آن حمایت کرد، و از این رو برای آن که ببینیم شوپنهاور چگونه از این آرا

حرکت کرد و به موضع به شدت غیرمتعارف خود رسید لازم است این آرا را دریابیم. شوپنهاور در افزوده‌ای بر ویراست نخست جهان همچون اراده و بازنمود (از این پس به صورت اختصاری جاب) فلسفه‌ی کانت را، گرچه به معیارهای خود، در معرض نقدی دقیق و مؤدبانه قرار می‌دهد. آنچه از این نقد، مطابق مجموعه‌ی جاب، برمی‌آید این است که شوپنهاور بسیاری از موضع‌های بنیادی کانت را می‌پذیرد، ولی — مانند پیش‌تر فیلسوفان بعدی — از ساختمان معمارانه‌ی دقیق و درواقع قاطع و دندان‌شکن آن آزرده است. ساختمانی که بدین‌سان در آن همه چیز به سه‌ها و چهارها تقسیم شد. و مقوله‌ها و مفهوم‌ها صرفاً برای آن ابداع شده‌اند تا نیاز کانت را ب تقارن برآورند.

آغازگاه فلسفه‌ی پخته‌ی کانت پرسشی است که سبب طرح آر نتیجه‌گیری‌های شک‌آورانه‌ی دیوید هیوم است که، در آن عبارت مشهور کانت، او را از خواب جزمی بیدار کرد. پرسش این است که «گزاره‌های تألیفی پیشینی چگونه ممکن‌اند؟» آنچه از این حک برمی‌آید این است که گزاره‌هایی که ما، بنا بر تجربه و مشاهده درباره‌ی خودمان اظهار می‌کنیم به‌طور کلی پسینی‌اند؛ به سخن دیگر تنها با مشاهده‌ی چگونگی چیزهاست که می‌توان این گزاره‌ها را اظهار کرد، یا صحت و وسقم آن را آزمود. برعکس، صدق گزاره‌های پیشینی می‌توان پیش از تجربه یا مستقل از آن ثابت کرد. چنین گزاره‌هایی این دست‌اند که «اگر مردی عزب است، پس ازدواج نکرده است» که بر حسب معنای حدود مُقوّم خود، یعنی بنا به تعریف، صادق است بسیاری از فیلسوفان برآن‌اند که گزاره‌های ریاضیات محض نیز، که بی‌گمان پیشینی‌اند، به سبب معنای واژه‌ها، عددها و غیره‌ای که مُقوّم برساننده‌ی آن‌هاست صادق‌اند. کانت طور دیگری می‌اندیشید.